

پاسخ آقای دکتر ابراهیم یزدی به پرسش‌های آقای مسعود باستانی خبرنگار سایت جمهوریت پیرمون اظهارات آقای مهندس موسوی درباره نهضت آزادی ایران (۱۳۸۸/۲/۹)

متن اظهارات میر حسین موسوی در گرگان:

جمهوریت- احسان مازندرانی/گرگان: مهندس میر حسین موسوی در سفر خود با استان گلستان در واکنش به پرسش درباره نهضت آزادی ایران با اشاره به سخنان معمار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) که اعضای نهضت آزادی را متدین خواندند، از نهضت آزادی حمایت کرد و گفت: بنده چون به فکر آخرت خود هستم هرگز این گروهها را ملحد نمی دانم.

میرحسین موسوی در ادامه دیدار خود با دانشجویان دانشگاه گرگان در پاسخ به سؤال یکی از دانشجویان که نوع نگاه ایشان را درباره نهضت آزادی جویا شد، گفت: قبل از انقلاب نیروهای بسیاری بودند که همه با هم یک هدف را دنبال می کردند. نهضت آزادی که در راس آن مهندس بازرگان قرار داشت در کنار سایر شخصیت های روحانی مانند شهید بهشتی و شهید مطهری در جریان انقلاب نقش داشتند. حضور دکتر یزدی در کنار امام راحل در فرانسه، یکی دیگر از این نمونه هاست. پس از انقلاب به دلیل هم سو نبودن نگاه دولت موقت با برخی دیدگاههای انقلاب، دولت موقت انحلال پیدا کرده و کم انتقاداتی نسبت به شیوه اجرایی آن آغاز شد که در دوران دفاع مقدس اوج گرفت.

میر حسین موسوی با ذکر این نکته که من جز کسانی هستم که قبل از انقلاب با تمام اعضای نهضت آزادی دوست بودم و بعد از انقلاب هم که رئیس دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی بودم همواره سعی کردم خط و مشی که امام می پسندید را تغیب کنم و دلیل حمایت ایشان از دولت جنگ هم همین بود، اظهار داشت: تا زمانی که اختلافات سیاسی وجود داشته باشد با اعضا نهضت آزادی کار سیاسی نمی کنیم، اما دلیل ندارد که به این افراد مومن و نماز خوان را انگ کفر بزنیم و بنده چون به فکر آخرت خود هستم هرگز این گروهها را ملحد نمی دانم.

مهندس موسوی با تاکید بر اینکه امام گفتند اعضای نهضت آزادی متدین هستند، گفت: امام راحل همان زمان هم که برخی ها اعضای نهضت آزادی را به دلیل اختلاف با امام به ضدیت با دین متهم می کردند می گفتند «مگر من اصول دین هستم که اگر کسی مرا قبول ندارد ملحد باشد»، بنابراین نباید افراد را به دلیل اعتقادات سیاسی و اقلیت بودن به ضدیت با دین محکوم کنیم و دور آنها خط قرمز بکشیم که در این صورت چیزی از کشور باقی نمی ماند.

وی در پایان خاطر نشان ساخت بهتر است برای بیان مخالفت خود با دیدگاههای دیگر وارد بحث و گفتگو های نظری شویم تا فضای چند صدایی و چند گفتمانی در کشور ایجاد شود و توجه داشته باشیم که تا زمانی که کسی صحبت خاصی نکرده انگ الحاد و کفر به وی نزنیم و متهم سازی نکنیم زیرا این کارها به جایی نمی رسد. •

لطفا: نظر خودتان را در باره این سخنان بفرمایید؟

آیا با توجه به حمایت و دید مثبت وی درباره نهضت آزادی ایران امکان تعاملات وجود دارد؟
چرا تا کنون نهضت در باره کاندیدا های موجودا اظهار نظری نکرده است

پاسخ: از سه رکن اساسی اندیشه دموکراسی یا جمهوریت، سخنان آقای مهندس میر حسین موسوی دو رکن را در بر میگیرد، اما رکن سوم آن غائب است. ارکان سه گانه دموکراسی عبارتند از اول قبول تکثر ارا و عقاید در جامعه بشری اینکه جامعه بشری هیچگاه یک مجموعه تک صدا نبوده است. آموزه های قرآن کریم تاکید بردارد که جامعه بشری نه تنها متکثرو گوناگون است بلکه تا قیام قیامت این چنین باقی نیز خواهد ماند و خداوند در آن روز است که در باره اختلافات ما داوری خواهد کرد. رکن دوم دموکراسی تساهل و تسامح یا باصطلاح تولرا نس است. شنا سائی و پذیرفتن گوناگونی اندیشه ها در جامعه بشری لازم است اما کافی نیست. دارندگان اندیشه های گونا گون در یک مجموعه انسانی ، برای حفظ سلامت خود و جامعه میبایستی اندیشه های متفاوت را تحمل کنند، با یکدیگر به تخاصم نپردازند. خداوند کریم تخاصم را ویژگی رفتاری اهل جهنم ذکر نموده است. ابعاد حقایق جهان و نیز مناسبات و رفتار های انسان ها آن چنان ابعاد پیچیده ای دارد که هرکس از یک زاویه آن را می بیند و داوری می کند. چه بسا همه آن ها در بر داشت های متفاوت خود محق باشند. شناسائی این واقعیت به معنای فاصله گرفتن از مطلق بینی و مطلق خواهی است. رکن سوم دموکراسی سازگاری به معنای همکاری و همگرایی کلان میان صاحبان اندیشه های متفاوت است. تسامح و تساهل، اگر چه شرط لازم برای سلامت روابط سیاسی و اجتماعی جامعه می باشد، اما شرط کافی نیست. این رفتار در عمق خود یک نگرش یا رفتار منفعلانه است. به این معنا که من تفاوت های اساسی میان باور های خود را با شما شنا خته ام و به شما احترام می گذارم و شما را تحمل میکنم. ولی آمادگی برای همکاری و همگرایی با شما را ندارم. در حالیکه برای توسعه انسانی، اعم از سیاسی و اقتصادی ، همگرایی ، مشارکت و همکاری همه نیرو ها و گروه های فکری و سیاسی ضروری است. در شرایط کنونی جهان و مناسباتی که در دهکده جهانی بوجود آمده است، حفظ منافع و مصالح و بالاتر از همه، هویت ملی در گرو همگرایی همه نیرو هاست. بعنوان مثال اگر در ژاپون حزب کمونیست سابق برسمیت شناخته شده است و امروز این حزب ۸ یا ۹ نماینده در مجلس دارد، از جهت حفظ وحدت ملی و استمرار برنامه های کلان تو سعه ملی ژاپون ضروری بوده است. اگر بپذیریم که دموکراسی فرایندی یاد گرفتنی است، باید توجه داشته باشیم که دموکراسی را در سر کلاس مدرسه بکسی درس نمی دهند. بلکه در عرصه تعاملات سیاسی و

اجتماعی است که افراد آنرا فرا می گیرند. اما یاد گیری دموکراسی، از طریق تجربه عملی هزینه های خاص خود را دارد. تمام کشور های توسعه یافته این ارکان سه گانه را در یک فرایند طولانی و با دادن هزینه های فراوان آنرا فرا گرفته اند. در اروپا اختلاف میان کشور های اروپائی، بخصوص فرانسه و آلمان موجب دو جنگ بزرگ جهانی و تحمیل بالاترین هزینه های به کشور های اروپائی شد. اما کشور های اروپائی با پرداخت این هزینه های سنگین یاد گرفتند که بجای جنگ اگر با هم همکاری کنند منافع حاصل از آن برای همه آنها بیش جنگ با یکدیگر است و امروز دو کشور متخاصم دوران گذشته از ارکان اصلی اتحادیه اروپا هستند.

در ایران یک انقلاب بزرگ صورت گرفته و اکثریت قریب به اتفاق مردم به جمهوری اسلامی، یعنی به یک نظام سیاسی مبتنی بر دموکراسی، رای داده اند. نه دینه شدن جمهوریت تنها این نیست که با یک رفتار مردم به آن رای بدهند و قانون اساسی آن را تعریف کند. نهادینه شدن جمهوریت، هنگامی تحقق پیدا می کند که هم مردم و هم مسئولان و حاکمان عناصر یا ارکان سه گانه دموکراسی را، به شرح بالا، پذیرفته باشند؛ بپذیرند که همه نیروها و احزاب و تفکرات حق حضور و فعالیت و مشارکت در سر نوشت کشور را دارند. مصاحبه ها و سخنان رهبر فقید انقلاب در پاریس و تاکید بر این که در جمهوری اسلامی، حتی احزاب کمونیست هم حق حضور و فعالیت دارند، انعکاس و قبول این ارکان سه گانه بوده است.

آقای مهندس موسوی در سخنان خود در گرگان به دو رکن از سه رکن ضروری در هر نظام دموکراتیک اشاره کرده اند. این یک گام مثبت است و ما بسهم خود از آن استقبال می کنیم. اما ایشان تاکید کرده اند: "تا زمانی که اختلافات سیاسی وجود داشته باشد با اعضای نهضت آزادی کار سیاسی نمی کنیم". این موضع ایشان با رکن یا شرط سوم دموکراسی در تعارض است. مسدله مهم همکاری یا عدم همکاری با نهضت آزادی ایران نیست. این حق هر نامزد انتخابات است که مرز بندی خود را با گروه های سیاسی شفاف بیان نماید. همانطوری که هر حزب و گروه سیاسی این حق را دارد که از نامزدی خاصی حمایت کند یا نکند. مهم پیامی است که به جامعه داده می شود. در یک جامعه در حال انتقال تاریخی، احزاب سیاسی، رهبران و حاکمان و مسئولان اجرائی نظام و شخصیت های فعال سیاسی یا فرهنگی نقش الگو و اسوه را در جامعه پیدا می کنند. رفتار این گونه شخصیت ها در منش اجتماعی مردمان اثر گذار است. اگر ما دغدغه نهادینه شدن جمهوریت را داریم میبایستی با رفتار ها و موضع گیری های خود فضا را برای همگرایی ملی فراهم سازیم. اگر ما از بیانات ایشان در دو مورد بالا استقبال می کنیم نه از برای آن است که بنفع نهضت آزادی تلقی می شود بلکه از بعد اثر گذاری مثبت بر

رفتار مخاطبان در همگرایی های سیاسی و در نتیجه، مدنی شدن مناسبات است. و اگر در مورد سوم نقد و تدرکی می دهیم برای این نیست که چرا گفته اند با نهضت آزادی همکاری سیاسی نمی کنند. زیرا همکاری سیاسی به تمایل و آمادگی طرفین نیاز دارد. بلکه ما این نوع موضع گیری را موجب کند شدن فرایند یاد گیری مردمان در همکاری های جمعی می دانیم. رهبران فکری و سیاسی باید به آموزش دهند که برغم اختلافات سیاسی و فرهنگی می توتند در ابعاد کلان ملی با یکدیگر همکاری نمایند. وفاق ملی جز این معنائی ندارد.

در سخن آقای موسوی در باره نهضت آزادی دو گزاره وجود دارد. گزاره اول این است که ایشان با دگر اندیشان و با کسانی که اختلاف دیدگاه سیاسی دارند، همکاری سیاسی نمی کنند. گزاره دوم این است که ایشان با نهضت آزادی همکاری سیاسی نمی کنند. ایراد ما به گزاره اول است نه دوم. نهضت آزادی ایران حمایت از این یا آن نامزد انتخاباتی را مشروط به ورود و مشارکت در قدرت، در صورت پیروزی، نمی کند. در انتخابات دوره قبل و حمایت نهضت آزادی از آقای دکتر معین ما باشفافیت تمام اعلام کردیم که حمایت ما از نامزدی ایشان برای ورود ب قدرت در صورت پیروزی نیست. نگاه ما در حمایت از نامزدها فراحزبی است. ما از آن نامزدی حمایت خواهیم کرد که توانمندی خود را در ایجاد وفاق ملی نشان دهد. نامزدهای انتخابات وابسته به اصلاح طلبان می دانند و بارها گفته اند که کشورمان با مشکلات فراوان داخلی و خارجی روبروست. حل این مشکلات تنها با تغییر در رئیس جمهوری، هر قدر هم آن را ضروری بدانیم، میسر نیست. امروز بزرگترین ضرورت وفاق ملی است. آن کاندیدائی که بتواند در این راستا حرکت کند شانس موفقیتش بیش از سایرین خواهد بود. ما بموانع واقعی بر سر راه چنین حرکتی و حساسیت های آشکار و نهان ، بخوبی واقف هستیم. اما بر این باوریم که نامزدهای وابسته به جریان اصلاح طلب می توانند و باید، بجای تمکین از این حساسیت ها، با مذاکرات رو در رو و استفاده از شیوه های اقناعی، در راستای کاهش حساسیت ها گام بردارند. توصیه برادرانه ما به این نامزدها این است که تصور ننمایند که مشکل کشورمان با تغییر رئیس جمهور فعلی و آمدن هر یک از این بزرگواران حل خواهد شد. مگر آن که این بزرگواران بخواهند و بتوانند مشکل را در سطح دیگری نیز حل کنند. و این مبرم ترین وظیفه در برابر همه علاقمندان به رهائی کشورمان از بحران های کنونی می باشد.